

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

سید موسی عثمان هستی

۲۵ سپتمبر ۲۰۱۱

## "استادو کا استاد مرگیا"\*

وقتی خبر کشته شدن – هر کسی می تواند مطابق میل خود بخواند، شهادت و یا مردار شدن برای من فرقی نمی کند. استاد استادان، جنت مکان، محشور با حور غلمان – گردنتان بسته که از این تحفه خوش شما هم نیامد. برهان الدین خان ربانی را از طریق رادیو ها و بعداً تلویزیون ها شنیدم و دیدم، دلم از دلخانه افتاد، اشتباه نکنید که گویا این کار به خاطر مرگ وی صورت گرفت، علت آن این بود، که با اساس شناخت دیرینه ای که من از وی داشتم بر من حق داشت تا چیزی در موردش بنویسم، مگر مشکل آنجا بود که وضع مزاج اجازه نمی داد تا مطلبی در باره وی تحریر دارم.

سر انجام بعد از چند دقیقه تأمل و تفکر، به این نتیجه رسیدم تا سری به سایت ها بزنم، و مثل برخی ها که با دزدی از این و آن منبع سیاهنامه کردار خود را به نام کتاب بیرون می دهند، و در روز معرفی کتاب خود شان می مانند و حوض شان، و ظنفروشها ها هم به دور شان، این بار من هم با همان شیوه چیزی تقدیم خوانندگان عزیز پورتال بنمایم.

هرچه گشتم و گشتم به غیر از دو مضمون یکی از استاد "موسوی" و دیگری از آقای "اسدالله جعفری"، دیگران همه چنان در مدح استاد استادان قلم فرسائی نموده بودند، که در هیچ کتابی آنچنان راجع به "عشره میشره" کسی مطلبی ننوشته است.

فکر کردم بیایم از مقاله آقای "موسوی" مثل ریاکاران خپگیر چیزی بدزدم و با اندکی تغییر قیافه آن را به پورتال بفرستم، به یادم آمد که ممکن، مطلب جهت ویراستاری به دست شخص آقای "موسوی" سپرده شود، آن وقت است که باید راه فرار پالید. دردوام آن فکر، مطلب آقای "جعفری" را بار دیگر مرور نمودم و تصمیم گرفتم، با صرف نظر از قسمت هائی که وی نیز "نه کرسی فلک" را زیر پای ربانی گذاشته است، بخش سوم مطلب وی را به صورت کامل اقتباس نمایم.

واضح است برای آنانی که با دقت کامل مطالعه نمی نمایند، بخش آتی نیز از قلم خودم است، مگر برای آنانی که با دقت مطالعه می نمایند و به خصوص شخص آقای "جعفری" باید بنویسم که مطلب به وسیله شخص خودم اقتباس

شده است. کسانی که با آن مخالف اند می توانند دشنام شان را به استقامت آقای "جعفری" بفرستند، مگر برای میلیونها انسانی که از آن استقبال می نمایند، پیشنهاد دارم تا برای من به خاطر حس انتخابم کف بزنند. از ویراستاران پورتال تقاضا دارم تا نوشته آقای "جعفری" را ویراستاری نکنند، چون مزه اش در همان ادبیات شخص آقای "جعفری" است.

این شما و این هم نوشته آقای جعفری:

"....."

۶ - برهه سوم حیات سیاسی و علمی ربانی بعد از پیروزی غرور آفرین و تاریخی ملت افغانستان بر اشغالگران شرق سرخ، با خون و نفاق و شقاق رقم خورد.

با اینکه جهادی های پیشاور نشین ، بدون در نظر داشت مصالح عام افغانستان و با هدف حذف گروه های جهادی شیعه و هزاره افغانستان دولت موقت و عبوری تشکیل دادند. از آنجا که مهندسی آن دولت را امریکا و عربستان برعهده داشتند، نتیجه ی در نظر گرفته در دوره حکومت موقت و شش ماهه ربانی تحقق یافت و با کناره گیری حضرت صاحب صبغت الله مجددی و استقرار ربانی در کاخ ریاست جمهوری، جنگ های داخلی و قومی و جنگ خانه به خانه در کابل شروع و حکومت شش ماهه ربانی، حکومت شاهنشاهی و همیشگی شد.

اشتباهات بزرگ و نابخشودنی ربانی را می توان چنین فهرست کرد:

۱ - آقای ربانی با استقرار در کاخ ریاست جمهوری، خدایی را آغاز کرد و از یک مجاهد جهادگر و استاد شریعت بدل به یک دیکتاتور و فرعون و دقیانوس شد .

۲ - با پشت کردن به همپیمانان جهادی خود، آتش جنگ داخلی و جنگ خانه به خانه و خیابان به خیابان را در کابل راه انداخت و جوی خون جاری نمود و راه را برای نفاق و شقاق قومی در افغانستان هموار کرد.

۳ - با وزیر دفاع شدن امر مسعود، تصفیه قومی در دولت ربانی آغاز شد و از حضور آقای حکمتیار به عنوان نخست زیر در دولت جلوگیری نمود و به کشتار قوم ازبک به عنوان ملیشه و قوم هزاره به عنوان کافر و مشرک و رافضی پرداخت و خود ربانی علیه قوم ازبک و هزاره فتوای جهاد داد و شد آنچه که نباید می شد.

۴ - آقای ربانی و آیت الله شیخ محمد اصف محسنی از ظهور طالبان به عنوان نیروهای خدایی استقبال نمودند و طالبان را تادروازه های کابل همراهی کرد تا بتواند دو رقیب نیرومند و سرسخت خود امیر حزب اسلامی برادر حکمتیار و رهبر حزب وحدت اسلامی شهید عبدالعلی مزاری را از سر راه پادشاهی مدام العمری خود بردارد. ولی نمی دانست خدا داغ پادشاهی همیشگی افغانستان را بردل او و احمدشاه مسعود خواهند نهاد و این آرزو را به گور خواهند برد.

۵ - علاوه بر این که پادشاهی گری و انحصار گرایی و تمامیت خواهی و پاک سازی قومی ربانی باعث بدبختی مردم افغانستان و نابودی زیر ساخت های کشور شد و کشور در جوی خون شناور بود و در آتش جنگ و نفاق و برادر کشی می سوخت، آقای ربانی به عنوان رئیس جمهور افغانستان و رهبر ائتلاف شمال، اشغال مجدد افغانستان را امضا نمود .

۶ - آقای ربانی می توانست یک جهادگر صادق و شخصیت علمی و مصلح ملی بماند و همچنان مورد احترام اقوام شخصیت های جهادی و ملی افغانستان باشد، اگر ریاست جمهوری عبوری خود را بدل به پادشاهی نمی کرد و علیه اقوام ساکن افغانستان فتوای جهاد نمی داد و طالبان را تا دروازه های کابل همراهی

نمی کرد و آتش جنگ های داخلی را روشن نمی کرد و حنف دیگر اقوام را در سر نمی پروراند و به جای تاجیک سازی افغانستان به ملت سازی می پرداخت و افغانستان را خانه مشترک همه ی اقوام در افغانستان می دانست.

چنان که قبلا عرض شد باکناره گیری حضرت صاحب صبغت الله مجددی از ریاست جمهوری موقت افغانستان در دوران حکومت مجاهدین و استقرار ربانی در کاخ ریاست جمهوری، جنگ های داخلی و قومی و جنگ خانه به خانه در کابل شروع شد و حکومت شش ماهه ربانی، حکومت شاهنشاهی و همیشگی شد، لذا افغانستان سرفراز در چنگال دیو هفت سر جنگ خانگی و قومی گرفتار شد همه ی افتخارات جهادی و استقلال خواهی ملت بریاد رفت و قبرستان های افغانستان آباد شدند و گلستان های وطن خون رنگ گشت و لاله های وطن را در آغوش گرفتند و نصیب ملت، رنج مضاعف، ویرانی خانه ، آوارگی و بیخانمانی شد . لذا همه ی بدبختی و خون ریزی و... در افغانستان توسط ربانی بر ملت تحمیل شد و ربانی اکنون که کشته شده است، این همه گناه را چگونه پاسخ خواهد داد و با مکافات عمل چه خواهد کرد؟

باکشته شدن ربانی، جنگ و ناامنی و بدبختی ملت پایان نمی یابد و ممکن است که حلقه های خاص این کشته شدن ربانی را سرآغاز پروژه جدید در به خاک و خون کشیدن مردم افغانستان قرار دهند چنان که هم اکنون تلویزیون همسایه، ایران و چهره های مسئله دار در داخل افغانستان برای ربانی اشک می ریزند و او را شهید نامیدند و یقینا آقایان کرزی و خلیلی و فهیم و عبدالله و پیام های بلند بالا می دهند و از ربانی به عنوان شهید تجلیل می کنند و با اینکه ربانی هم مثل هزاران انسانی افغانستانی قربانی سیاست های توسعه طلبانه بیگانگان و دشمنان کرامت و سربلندی افغانستان شدند اما یقین داریم که سیاست بازان بسیاری برای ربانی اشک های بسیاری خواهند ریخت.

آیا ان اشک های تزویر و نفاق و خشم و لبخند، می تواند باری از دوش ربانی بردارند و ذره ی از آن همه گناه فرافردی بردارند؟

کاش دیگر سیاستمداران از کشته شدن آقای برهان الدین ربانی عبرت می گرفتند و در محراب خلق خدا توبه می کردند و در معبد خدا و خلق عذر تقصیر پیشکش می نمودند و دست از سر ملت بر می داشتند. "

از آن جایی که نه خود چیزی بر نوشته آقای "جعفری" افزودم و نه هم ویراستاران به آن دستی زده اند، لذا از جناب ایشان تمنا دارم تا با در نظر داشت تحصیلاتی که در حوزه فرا گرفته اند و به یقین بیشتر از افراد عادی به زبان عربی دسترسی دارند، من بعد اگر چیزی می نوشتند، تفاوت ماهوی بین کلمات "اشتباه" و "خیانت - جنایت" را متوجه باشند، در غیر آن خدا نخواسته شاید کسانی پیدا شوند و بگویند که آقای "جعفری" با "اشتباه" دانستن جنایات و خیانت های "استاد استادان" خوسته اند به چشم مردم خاک بپاشند.

با خواندن کلمه "افغانستانی" از قلم آقای "جعفری" و انتقاد شان نسبت به "ستاد افغانستانی ها" ضرب المثل نطنی به یاد آمد " هندو ، هندو را گفت، دینت در گور "

\* عنوان مطلب از یک فلم هندی گرفته شده که در جوانی، پت تمام خانواده و دوستان مدرسه آن را دیده ام.